

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین « سعیدی – سعید افغانی »  
۱۴ اپریل ۲۰۱۴

## اسماء الحسنی

خواننده محترم !

قبل از همه باید گفت : فرقی بین « اسماء الله » با « اسماء الحسنی » وجود ندارد، ولی بین اسم های الله تعالی با صفات او تفاوت است:

اسماء و صفات الهی همگی نیکو هستند طوری که خداوند متعال در مورد می فرماید : « وَ لِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا » (سوره اعراف آیت : ۱۸۰) (و برای خدا، نام های نیک است؛ خدا را به آن (نامها) بخوانید! و منظور از اسماء، اسمهای الله تعالی هستند. البته باید توجه داشت که تمامی اسماء الله ، صفت برای الله تعالی هستند مثلاً خداوند دارای اسم رحیم است و می توان از اسم رحیم صفت رحمت را برای الله تعالی اثبات نمود، ولی لزوماً عکس این مطلب صادق نیست یعنی تمامی صفات الله تعالی اسمی برای خداوند نیستند مثلاً خداوند دارای صفت فریادرس است ولی اسمی به نام فریادرس ندارد.

به عبارتی:

فرق بین اسماء الله با صفات الله تعالی به دو امر مربوط می شود:

**اول:** اسماء خداوند عبارتند از هر آنچه که دلالت بر ذات الله تعالی دارد مانند : الحکیم و العظیم و السميع، که این اسماء دلالت بر ذات الله تعالی دارند و نیز آنچه که بر حکمت و علم و سمع و بصر او مربوط هستند. اما صفات در حقیقت مدحی که دلالت بر کمال ذات الله تعالی دارد ، می باشد مانند: حکمت و علم و سمع و بصر. پس اسم بر دو امر دلالت دارد (هم دلالت بر ذات الله و هم دلالت بر صفت الله تعالی) ولی صفت فقط بر یک امر ( که همان صفت است) دلالت دارد.

**دوم:** صفتهای الله تعالی وسیعتر از اسماء الله هستند، مثلاً از جمله صفتهای الله تعالی؛ الاتیان و المجيء و نزول است ولی نمی توان از این صفات اسمهای (الآتی و الجائی و النازل) را مشتق نمود.

اما هر یک از اسماء الهی دلالت بر صفتی برای الله تعالی دارند، مثلاً از رحمن و سمیع و بصیر که جزو اسمهای الله تعالی هستند می توان صفات رحمت و سمع و بصر را مشتق نمود.

خواننده محترم !

نزد اهل سنت و جماعت، اسمها و صفتهایی را برای الله تعالی ثابت می کند که آن اسم و صفت یا در قرآن عظیم الشان آمده باشد، یا در هم در احادیث صحیح پیامبر صلی الله علیه وسلم وارد باشد. پس حکم کلی و اسلامی همین است : هر اسم و صفتی لایق الله نیست مگر آن که در قرآن عظیم الشان یا حدیث نبوی ذکری از آن به عمل آمده باشد.

اصل دیگری که در بین اهل سنت و جماعت وجود دارد اینست که: اسمها و صفتهای باری تعالی را تشبیه به اسم یا صفت خلایق نمی‌کنند، همچنین آنها را تمثیل و تحریف (معنایی و لفظی) نمی‌کنند و منکر اسماء و صفات الهی (که در عقل انسان نمی‌گنجد) نیستند. (مثلاً اهل بدعت صفت "ید" به معنای دست را از الله تعالی نفی می‌کنند، زیرا گمان دارند که اگر آن صفت را برای الله تعالی ثابت کنند در حقیقت خدا را با خلایق تشبیه کرده اند و می‌گویند این مخلوقات هستند که دست دارند و خدا دست ندارد و اگر بگوئیم خدا دست دارد مانند اینست که بگوئیم خدا بمانند مخلوقاتش است! و بعد می‌گویند که منظور از "ید" در قرآن، یعنی "قدرت"! درحالی که هیچ دلیلی برای این معنی خود ندارند.) اما اهل سنت این تفکر را رد می‌کند، و می‌گویند چون الله تعالی خود در قرآن صفت دست را برای خویش آورده، پس ما نمی‌توانیم منکر آیات قرآن باشیم و این گفته ما نیز به این معنی نیست که چون برای خداوند صفت دست را انکار نمی‌کنیم، پس دچار تشبیه شده ایم؛ بلکه ما دست را برای خدا به گونه ای ثابت می‌کنیم که لایق خود الله تعالی باشد و لازمه اثبات صفت دست این نیست که دست الله تعالی به مانند دست خلایق باشد؛ چرا که هیچ کدام از صفات الهی به مانند صفات مخلوقاتش نیست هر چند که در اسم تشابه داشته باشند زیرا الله تعالی خود می‌فرماید: «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ» (شوری ۱۱) یعنی: هیچ چیز همانند او نیست.

پس دست الله تعالی نیز به مانند مخلوقاتش نیست. پس چگونه است؟ جواب در نکته سوم می‌آید:

**سوم؛** اهل سنت و جماعت برای اسماء و صفات الهی کیفیت و چگونگی آنها را بیان نمی‌کنند؛ بلکه به معنای آنها اکتفاء می‌کنند؛ مثلاً اهل سنت عقیده دارد که خداوند دارای صفت "ید" است؛ زیرا قرآن فرموده که الله تعالی دارای "ید" است، چنانکه می‌فرماید: «يُدُّ اللَّهُ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ» (فتح ۱۰) یعنی: و دست خدا بالای دست آنهاست.

حال اهل سنت برای صفت "ید" کیفیت قائل نمی‌شود و توضیح نمی‌دهد که مثلاً دست الله تعالی به چه صورت و کیفیتی است، زیرا ما به آن علم و آگاهی نداریم و هرچه بگوئیم از روی حدس و گمان است، لذا کیفیت صفات (نه معنای آنها) را به خود الله تعالی واگذار می‌کنیم. اما با این وجود هر چند که کیفیت را برای صفات الله تعالی ثابت نمی‌کند ولی معنای آنها را بیان می‌نماید زیرا صفات الله تعالی با زبان و الفاظ عربی در قرآن بیان شده اند و می‌دانیم که زبان عربی دارای معنی است و بدون معنی نیستند؛ پس هنگامی که الله تعالی در قرآن که با زبان عربی نازل شده، صفت "ید" را برای الله تعالی ثابت می‌کند؛ واضح است که "ید" در زبان عربی، معنی "دست" را می‌دهد نه معنی "قدرت" یا هر معنای دیگری.. پس اهل سنت و جماعت معنای اسمها و صفتهای الله تعالی را تفویض نمی‌کنند (یعنی همانند کیفیت آنها را به خدا واگذار نمی‌کنند) و بلکه معنای آنها را بر طبق معنیشان در زبان عربی اثبات می‌کنند بدون آن که قائل به تشبیه یا تمثیل شوند یا بخواهند آن معانی را تحریف معنایی یا لفظی کنند یا به طور کل منکر آن شوند.

**چهارم؛** تعداد اسمها و صفات الهی محصور به عدد معینی نیستند؛ ولی ما از برخی از آنها اطلاع داریم زیرا خداوند تبارک و تعالی به وسیله قرآن و احادیث رسولش صلی الله علیه وسلم، به ما خبر داده و لذا ما فقط آنها را ثابت می‌کنیم ولی قائل نیستیم که فقط همین تعداد هستند که در قرآن و یا حدیث آمده، بلکه اهل سنت می‌گوید که چون از دیگر اسمها و صفات دیگر اطلاع نداریم پس نباید اسم یا صفتی را به خدا نسبت داد که در قرآن یا احادیث صحیح نیامده اند؛ پس قاعده اینگونه است: اسماء الله غیر محصوراند و عددی معین ندارند. چون رسول خدا صلی الله علیه وسلم در حدیث مشهوری فرموده است: (اسالک بکل اسم هو لک سمیت به نفسک او انزلته فی کتابک او علمته احدا من خلقک او استأثرت به فی علم الغیب عندک) احمد (۳۹۱/۱)، و ابن حبان (۲۳۷۲ زوائد) «خداوند! تو را به هر اسمی می‌خوانم که خود را بدان نام نهاده‌ای یا در کتابت نازل فرموده‌ای یا به یکی از بندگان خود یاد داده‌ای، یا در علم غیب برای خود اختصاص داده‌ای».

و معلوم است نام هائی را که در علم غیب به خود اختصاص داده است هیچکس نمی تواند آن را حصر و شمارش کند و بدان احاطه نماید.

و اما فرموده رسول الله صلی الله علیه وسلم که فرموده است: (ان الله تسعه و تسعين اسما مائه الا واحداً من احصاها دخل الجنة) بخاری کتاب الدعوات (۶۴۱۰). مسلم: کتاب الذکر و الدعاء (۲۶۷۷) «همانا خداوند نود و نه اسم دارد، هرکس آنها را بشمارد داخل جنت شود. {منظور از [احصاء] شمردن، حفظ و فهم می‌باشد. و کمال حفظ و فهم این است که خداوند متعال به مقتضای این اسماء عبادت شود و در این مسأله سخنان دیگری نیز از ائمه نقل شده است} دلالت بر حصر اسماء در این تعداد ندارد زیرا اگر مراد از آن حصر اسماء بود، می‌فرمود: (ان اسماء الله تسعه و تسعون اسما من احصاها دخل الجنة) «همانا اسماء خدا نود و نه هستند هرکس آنها را برشمارد داخل بهشت شود». یا عبارتی دیگر از این قبیل:

معنی حدیث این است: این تعداد از اسماء الله از آنچنان شأن و منزلتی برخوردارند که هرکس آنها را برشمارد داخل بهشت می‌شود. بنابراین جمله: «من احصاها دخل الجنة» مکمل جمله ماقبل است و مستقل نیست. مانند این است بگوئید: من صد درهم به نزد خود گذاشتم تا به عنوان صدقه انفاق نمایم، این جمله مانع آن نیست مبالغی دیگر هم برای مصارف غیر صدقه به نزد خود داشته باشید.

تعیین این اسماء از جانب رسول خدا صلی الله علیه وسلم به ثبوت نرسیده و حدیث روایت شده پیرامون تعیین آنها ضعیف است. (منظور حدیثی که ترمذی در (۳۵۰۷) و ابن حبان در (۲۳۸۴) و غیره روایت کرده‌اند.)

ابن تیمیه در فتاوی ص (۳۸۲) ج (۶) از مجموع ابن قاسم گوید: به اتفاق حدیث‌شناسان تعیین اسماء الله از کلام رسول خدا صلی الله علیه وسلم ثابت نیست، و در عبارتی قبل از آن گوید: ولید آن را از زبان بعضی از شیوخ شامی خود نقل کرده است چنانچه در بعضی از روایتهای حدیث این مطلب توضیح داده شده است و ابن حجر در فتح الباری ج ۱۱، ص ۲۱۵ چاپ السفلیه گوید: به نزد شیخین (بخاری و مسلم) علت ضعف حدیث روایت نمودن ولید به تنهایی نیست بلکه اختلاف در آن و اضطراب، تدلیس و احتمال ادراج را نیز می‌توان از علل ضعف آن برشمرد.

چون تعیین اسماء الله از رسول خدا صلی الله علیه وسلم به ثبوت نرسیده است، سلف صالح در این مورد اختلاف دارند و چندانگونه روایت از آنها وجود دارد، و آنچه برای من در کتاب و سنت رسول گرامی صلی الله علیه وسلم روشن شده نود و نه اسم است.

اسماء الله و آمده در کتاب الله :

اسماء الله که در کتاب الله ذکر گردیده اند عبارتند از :

- ۱- الله: معبود مطلق، ۲- الاحد: یگانه، ۳- الاعلی: والا در ذات و صفات، ۴- الاکرم: نیکوکار، ۵- الإله: معبود به حق، ۶- الاول: اول بلا ابتداء، ۷- الآخر: آخر بلا انتها، ۸- الظاهر: بلندمرتبه و غالب، ۹- الباطن: نهان و ناپیدا، ۱۰- الباری: آفریدگار، ۱۱- البر: خیر و نیکوکار، ۱۲- البصیر: بینا، ۱۳- التواب: بسیار توبه‌پذیر، ۱۴- الجبار: بسیار قادر و عظیم، غلبه‌کننده، ۱۵- الحافظ: نگهدار، ۱۶- الحسیب: مراقب و حسابرس، ۱۷- الحفیظ: بسیار نگهدار، ۱۸- الحفی: مهربان، ۱۹- الحق: حق، ۲۰- المبین: آشکار، ۲۱- الحکیم: با حکمت، ۲۲- الحلیم: بردبار، ۲۳- الحمید: ستایش شده، ۲۴- الحی: زنده، ۲۵- القیوم: (پاینده) بی نیاز، ۲۶- الخبیر: آگاه، ۲۷- الخالق: آفریننده، ۲۸- الخلاق: بسیار آفریننده، ۲۹- الرئوف: بسیار مهربان، ۳۰- الرحمن: بخشننده، ۳۱- الرحیم: مهربان، ۳۲- الرزاق: روزی‌دهنده، ۳۳- الرقیب: مراقب، ۳۴- السلام: مبرا از عیب، ۳۵- السميع: شنونده، ۳۶- الشاکر: سپاسگزار، ۳۷- الشکور: بسیار سپاسگزار، ۳۸- الشهید: حاضر و گواه، ۳۹- الصمد: کسی که برای رفع همه نیازها رو به سوی او می‌شود، ۳۰- العالم: دانا، ۴۱- العزیز: شکست‌ناپذیر، ۴۲- العظیم: بزرگوار، ۴۳- العفو: بسیار باگذشت، ۴۴- العلیم: بسیار دانا، ۴۵-

العلی: دارای علو مطلق، ۴۶- الغفار: بسیار آمرزنده، ۴۷- الغفور: آمرزنده، ۴۸- الغنی: دارای غنای مطلق، ۴۹- الفتح: گشاینده، ۵۰- القادر: توانا، ۵۱- القاهر: غالب و مسلط، ۵۲- القدوس: منزّه، ۵۳- القدير: توانا، ۵۴- القريب: نزدیک، ۵۵- القوی: نیرومند، ۵۶- القهار: بسیار غلبه‌کننده، ۵۷- الکبير: بزرگ، ۵۸- الکریم: صاحب کرم، ۵۹- اللطيف: باریک بین آگاه، ۶۰- المؤمن: ایمنی بخش، ۶۱- المتعال: بزرگوار و والا، ۶۲- المتکبر: برتر از آن که بر کسی ستم کند، ۶۳- المتین: استوار، ۶۴- المجیب: اجابت‌کننده، ۶۵- المجید: صاحب مجد و بزرگواری، ۶۶- المحيط: احاطه‌کننده بر همه هستی، ۶۷- المصور: صورتگر، ۶۸- المتقدر: توانا و قدرتمند، ۶۹- المقیت: روزی‌دهنده، ۷۰- الملك: پادشاه، ۷۱- الملیک: پادشاه توانا، ۷۲- المولی: سرور و سرپرست، ۷۳- المهیمن: مطلع بر نهان و آشکار، ۷۴- النصیر: یار و پشتیبان، ۷۵- الواحد: تنهای بی‌نظیر، ۷۶- الوارث: وارث، ۷۷- الواسع: گشاینده، ۷۸- الودود: بسیار مهربان، ۷۹- الوکیل: حافظ و نگهبان، شاهد، ۸۰- الولی: سرپرست و یاور، ۸۱- الوهاب: بسیار بخشنده. اسماء الله وارده در احادیث نبوی :

اسماء الله که در احادیث صحیح رسول الله صلی الله علیه وسلم وارد گردیده است عبارتند از:

۸۲- الجمیل: زیبا، ۸۳- الجواد: بسیار بخشنده، ۸۴- الحکم: دادگر عادل، ۸۵- الحیی: صاحب حیا، ۸۶- الرب: پروردگار، ۸۷- الرفیق: دارای رفق و مهربانی، ۸۸- السبوح: بی‌نهایت منزّه، ۸۹- السید: سرور و آقا، ۹۰- الشافی: شفادهنده، ۹۱- الطیب: پاک، ۹۲- القابض: پس‌گیرنده، ۹۳- الباسط: گستراننده، ۹۴- المقدم: جلوبرنده، ۹۵- المؤخر: تأخیردهنده، ۹۶- المحسن: احسان‌کننده، ۹۷- المعطی: عطاکننده، ۹۸- المنان: دهنده نعمت‌های بزرگ، ۹۹- الوتر: منفرد و تک و تنهای بی‌مانند.

{ البته لازم به ذکر است که هر چقدر خواهیم معانی این کلمات (اسماء و صفات خداوند) را دقیق بنویسیم ولی باز هم در برگیرنده معانی و محتوای دقیق زبان عربی نمی باشد. زیرا ترجمه، با عین زبان اصلی مشابه نیست و دربرگیرنده تمام آن معنای زبان اصلی نخواهد بود.}

این بود ذکر ۸۱ اسم در قرآن کریم و ۱۱۸ اسم در سنت رسول خدا صلی الله علیه وسلم که آنها را بعد از پیگیری در قرآن و سنت جمع آوری کرده ایم هر چند که در اسم (الحفی) مترددم زیرا به صورت مقید در کلام خدا به نقل از ابراهیم ؛ آمده است: « قَالَ سَلَامٌ عَلَیْكَ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي إِنَّهُ كَانَ بِي حَفِيًّا » (مریم / ۴۷) و همچنین نسبت به «محسن» این تردید وجود دارد، چون ما دربارهٔ روایان این حدیث که در طبرانی وارد شده است اطلاعی حاصل نکردیم، ولی شیخ الاسلام آن را از جمله اسماء الله برشمرده است. و بعضی از اسماء الله به صورت مضاف می‌باشند، مانند؛ (مالک الملک، ذو الجلال و الاکرام).

خوانندهٔ محترم !

تفصیل این موضوع را می توان در کتاب: «اسماء و صفات خداوند متعال نوشته دانشمند جلیل القدر جهان اسلام شیخ محمد بن صالح بن عثیمین و ترجمه عبدالله عبداللهی و سایت جامع فتاوی اهل سنت و جماعت مطالعه فرمایند» تتبع و نگارش:

الحاج داکتر امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »

مدیر مرکز مطالعات ستراتیژیک افغان

و مسوول مرکز فرهنگی د حق لاره- جرمنی